امام خمینی قدس سره
رهبری بی‌نظیر

علی مجتبی‌زاده

بی‌تردید رهبری یک حکومت و جامعه نیازمند شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی برجسته‌ای همچون آگاهی، بصیرت، هوشمندی، درایت، اعتماد به نفس، قاطعیت، شجاعت، دوراندیشی و... است. رسالت و مسئولیت رهبری آن هم در سطح یک حکومت ایجاب می‌کند که یک رهبر سیاسی برخوردار از سطح قابل قبولی از این ویژگی‌ها باشد.

• نقد نگاه تک‌بعدی به رهبری

نگاه تک‌بعدی به وظایف و مسئولیت‌های رهبری و نادیده‌گرفتن ابعاد مختلف اداره حکومت، موجب شده تا برخی در سایه توهمات خود، بر رهبری شخصیت کم‌نظیری همچون امام خمینی رحمه‌الله که تحول بزرگی مانند انقلاب اسلامی را در عصر حاضر رقم زده و توانست، آن را از لابلای امواج سهمگین توطئه‌ها، بحران‌ها و حوادث مختلف به سلامت عبور داده و معادلات سیاسی جهان را دست‌خوش تحولاتی شگرف نماید، خرده گرفته و ایشان را متهم به نادیده‌گرفتن برخی اصول رهبری و فرماندهی نموده و شجاعت در برخی مسائل و برآورد ناصحیح از عواقب امور و عدم احتیاط را از خطاهای ایشان بینگارند.[1] در اینکه دوراندیشی و احتیاط از اموری است که باید یک رهبر سیاسی از آن برخوردار بوده و به آن توجه داشته باشد، تردیدی وجود ندارد؛ اما رهبری جامعه نیازمند یک شخصیت جامع و ذوابعاد است؛ همان‌گونه که در رهبری توجه به عواقب امور و احتیاط لازم است، قاطعیت و شجاعت نیز ضروری است. در ابتدای شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی که شاهد تحرکات برخی عناصر وابسته به رژیم پهلوی و گروه‌های تجزیه‌طلب و مخالف نظام و جولان آنها در سایه حمایت و هدایت آمریکا بودیم و سفارت آمریکا تبدیل به کانون اصلی توطئه علیه انقلاب اسلامی شده بود، احتیاط و هرگونه مسامحه در برخورد با این شرارت‌ها، موجب به خطرافتادن موجودیت نظام نوپای جمهوری اسلامی می‌شد. در چنین شرایطی هوشمندی، صلابت و شجاعت لازم است نه مسامحه و احتیاط. در برابر دشمنان و بدخواهانی که از هیچ فرصتی برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی فروگذار نکرده و چنگال‌های تیز آنان را آشکارا مشاهده می‌کنیم، احتیاط یعنی خالی‌کردن صحنه برای توطئه‌ها و نقشه‌های خباثت‌آمیز آنان. احتیاط و مسامحه در برخورد با این مسائل، موجب آسیب‌دیدن جان و مال مردم و از بین‌رفتن زحمات طاقت‌فرسای ملت می‌شد. آیا رهبری در برابر توده مردم و صدمه‌دیدن جان و مال آنها و خدشه‌دارشدن امنیت کشور مسئولیت نداشته و احتیاط و دوراندیشی در این مورد از وظایف و مسئولیت‌های او نیست؟

• مواجهه قاطع با توطئه‌های دشمنان در ابتدای انقلاب

اگر در ابتدای شکل‌گیری انقلاب اسلامی با عناصر وابسته به رژیم ستم‌شاهی برخورد قاطع صورت نمی‌گرفت و لانه جاسوسی آمریکا به‌عنوان مرکز محوری توطئه علیه نظام تسخیر نمی‌شد، انقلاب اسلامی همان سرنوشتی را پیدا می‌کرد که امروز در انقلاب مصر و لیبی شاهد آن بودیم که نظام سلطه این انقلاب‌ها را در راستای منافع خویش مصادره کرد.

کسانی به رهبری حضرت امام قدس سره خرده می‌گیرند که درک درستی از رهبری و مدیریت کلان جامعه نداشته و چنین مسائلی در حد و اندازه فهم آنها نیست. توانمندی و ویژگی‌های ممتاز مدیریتی و هدایت‌گری حضرت امام، اعتراف سیاست‌مداران و اندیشمندان غربی را به دنبال داشته است؛ به‌عنوان نمونه میخائیل گورباچف، آخرین رهبر شوروی سابق در مورد ایشان می‌گوید:«امام خمینی فراتر از زمان می‌اندیشید و در بعد مکان نمی‌گنجید. او توانست اثر بزرگی در تاریخ جهان به جای بگذارد.»[2]

هنری کیسینجر نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی در مورد مدیریت امام چنین می‌گوید: «آیت‌الله خمینی غرب را با بحران جدی برنامه‌ریزی مواجه کرد. تصمیمات او آن‌چنان رعدآسا بود که مجال هر نوع تفکر و برنامه‌ریزی را از سیاست‌مداران و نظریه‌پردازان سیاسی می‌گرفت. هیچ‌کس نمی‌توانست تصمیمات او را از پیش حدس بزند. او با معیارهای دیگری غیر از معیارهای شناخته‌شده در دنیا سخن می‌گفت و عمل می‌کرد. گویی از جای دیگر الهام می‌گرفت.»[3]

یرواند آبراهامیان تاریخ‌نگار و استاد دانشگاه آمریکا نیز در مورد شخصیت حضرت امام چنین می‌گوید: «آیت‌الله خمینی قدس سره را غالباً یک روحانی سنتی توصیف کرده‌اند؛ اما ایشان درواقع، نوآور بزرگی در ایران بودند؛ هم به‌لحاظ نظریه سیاسی‌شان و هم از

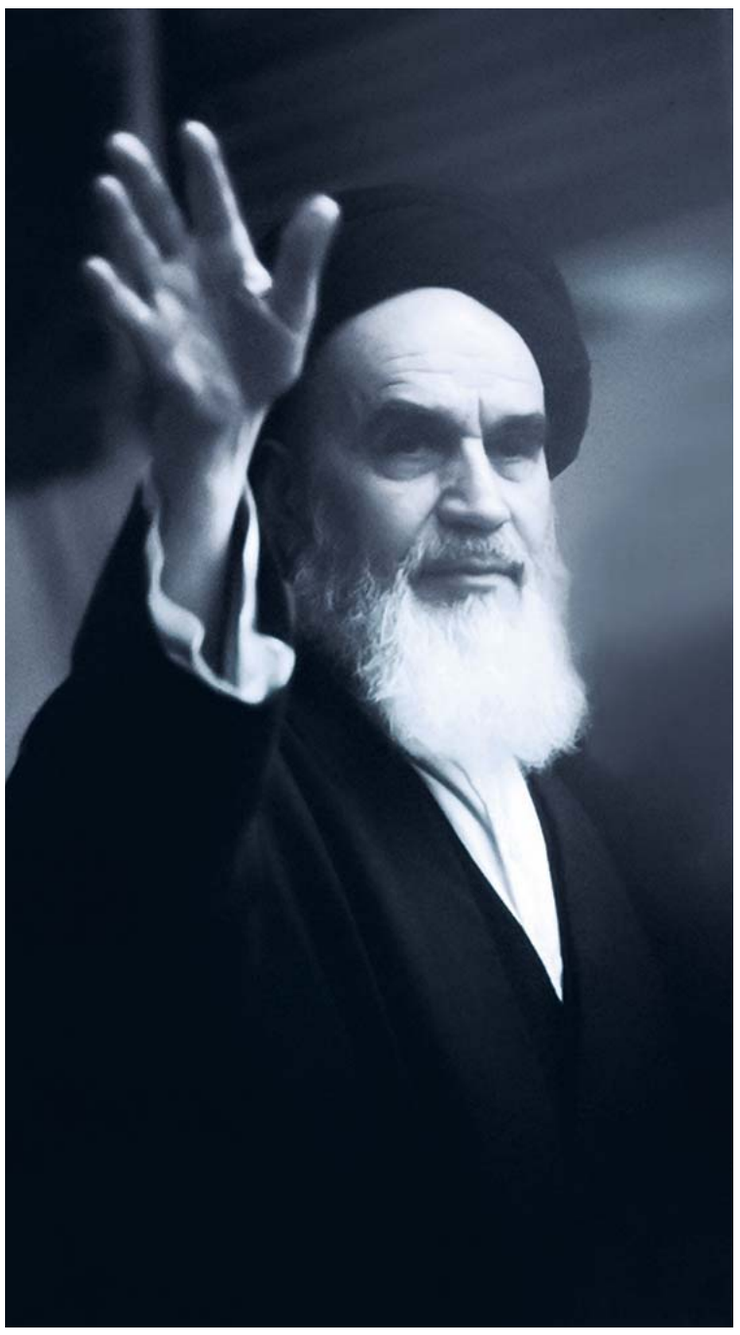

نظر استراتژی مردمی که وجهه مذهبی داشت. ایشان رهبر انقلابی پرجاذبه‌ای بودند، در زمانی که چنین رهبری بسیار کمیاب و سخت موردنیاز بود.»[4]

• تحلیل ماهیت دشمنی نظام سلطه با جمهوری اسلامی

این تصور که اگر رهبری نظام با احتیاط بیشتری در قبال سفارت آمریکا یا برخی مسائل برخورد می‌کرد، امروز شاهد کاهش دشمنی از سوی آنها و مشکلات کمتری در کشور بودیم، ناشی از درک‌نکردن ماهیت نظام جمهوری اسلامی و دلایل دشمنی نظام سلطه با آن است. مشکل آمریکا با جمهوری اسلامی، بر سر تسخیر سفارت او نبوده و به بنیان‌های فکری و فرهنگی آن و ماهیت اسلامی، استقلال‌طلبانه و سلطه‌ستیزانه آن باز می‌گردد که هویت نظام سلطه و مبانی فکری آن را نشانه رفته و به چالش کشیده است. دشمنی آمریکا با کشورما به قبل از تسخیر سفارت این کشور و کودتای بیست و هشت مرداد سال[2] برمی‌گردد؛ همان‌گونه که مقام معظم رهبری فرمودند: «بعضی‌ها تاریخ را تحریف می‌کنند؛ خود آمریکایی‌ها این کار را می‌کنند؛ آن سالی که بنده رئیس‌جمهور بودم و رفتم سازمان ملل، یک خبرنگار معروفِ آن روزِ آمریکا، در سازمان ملل با بنده مصاحبه کرد و شروع اختلافات بین ایران و آمریکا را از ماجرای سفارت گفت: از وقتی که جوان‌های شما رفتند سفارت را گرفتند، بین ایران و آمریکا اختلاف شد؛ این تحریفِ تاریخ است؛ قضیّه این نیست. اختلاف بین ملّت ایران و آمریکا از بیست‌وهشتم مرداد، حتّی قبل از بیست‌وهشتم مرداد شروع شد؛ بیست‌وهشتم مرداد سال ۳۲ به اوج رسید. آنها بودند که نامردی کردند، خباثت کردند، ملّت ایران را با کودتا دچار یک رژیم فاسدِ وابسته کردند؛ شوخی نیست؛ سال‌های متمادی این کشور زیر فشار رژیم وابسته به آمریکا دست و پا زد.»[5]

همچنین فرمودند:« بعضی خیال می‌کنند دشمنی‌هایی که با ما می‌شود، به‌خاطر این است که ما ستیزه‌گری کرده‌ایم؛ ما دائماً انگشت در چشم اینها کرده‌ایم؛ [لذا] اینها از این جهت با ما دشمنی می‌کنند؛ نه، این هم خیال غلطی است؛ تصوّر غلطی است. ما شروع‌کننده نبوده‌ایم. اوّل انقلاب آمریکایی‌هایی که دستگیر شده بودند، چندروزی نگه داشته شده بودند. امام فرمود: با کمال مراقبت بروند به محلّ خودشان، سفارت خودشان؛ تا قبل از اینکه مسأله تسخیر سفارت پیش بیاید – که آن هم عواملی داشت، مقدّماتی داشت– [آمریکایی‌ها] در کمال امنیّت اینجا زندگی می‌کردند؛ راحت می‌رفتند، می‌آمدند و البتّه بدجنسی می‌کردند. ما شروع نکردیم، آنها شروع کردند؛ آنها از همان اوّل شروع کردند: با بدگویی، با تحریم، با طلبکاری، با پناه‌دادن به دشمن ملّت ایران؛ شروع‌کننده آنها بودند. وانگهی فقط آمریکا که نیست؛ کشورهای دیگر [هم هستند]؛ حالا مثلاً فرض بفرمایید جمهوری اسلامی نسبت به فرانسه چه ستیزه‌گری‌ای کرده؟ کشور فرانسه چون امام مدّتی در آنجا بود، حتّی مورد تمجید نیروهای انقلابی هم بود؛ امّا خب می‌بینید که چه‌کار می‌کنند... . در قضیّه هسته‌ای بدترین موضع را فرانسوی‌ها [گرفتند]. ما با فرانسوی‌ها چه‌کار کرده بودیم؟ ستیزه‌گری کرده بودیم؟ حالا یک کشور کوچکی مثل هلند، مثلاً در هر قضیّه‌ای که شما نگاه کنید از قضایایی که پای جمهوری اسلامی به میان است، در آن لیست و فهرست دشمن‌ها، یکی‌اش هلند است! حالا ما با هلند چه‌کار داشتیم؟ چه ستیزه‌گری‌ای؟ کشور کوچکی که در گوشه اروپا افتاده [است]. بحث این نیست که ما با آنها دشمنی و ستیزه‌گری کردیم؛ مثلاً فرض بفرمایید کانادا روابطش را با ما قطع کرد. ما با کانادا دشمنی کرده بودیم؟ ستیزه‌گری کرده بودیم؟ قضیّه این نیست، قضیّه چیز دیگری است. ما خودمان را نباید فریب بدهیم و بگوییم: «آقا، ما دشمنی نکنیم تا آنها دشمنی نکنند»؛ نه، انگیزه‌های دیگری وجود دارد؛ مسائل دیگری پشت پرده است.»[6]

• بررسی عملکرد امام خمینی قدس سره در جنگ تحمیلی

کسانی که عملکرد حضرت امام در جریان جنگ تحمیلی و دفاع از شعار جنگ تا رفع فتنه از عالم را به‌عنوان نمونه دیگری از تندرویی ایشان برمی‌شمارند که درصورت رعایت احتیاط به نتیجه بهتری برای کشور منجر می‌شد، چشمان خود را بر واقعیات تاریخی بسته‌اند؛ مگر نه اینکه در جریان جنگ تحمیلی کشور ما مورد تجاوز قرار گرفت و جمهوری اسلامی به دفاع از خود پرداخت و ادامه جنگ برای احقاق حقوق و اعلام متجاوز بود که سازمان ملل به‌دلیل فشارهای قدرت‌های بزرگ از آن تا سال ۶۷ طرفه می‌رفت؟ چگونه می‌توان در برابر دشمنی که مورد حمایت همه‌جانبه قدرت‌های بزرگ بوده و سازمان‌های بین‌المللی که حاضر به عمل به وظایف خود نیستند، در قبال منافع ملی کشور کوتاه آمد و با احتیاط برخورد کرد؟ شعار جنگ تا رفع فتنه از عالم، بیانگر مقصد نهایی حکومت اسلامی است که به دنبال حاکمیت صلح و عدالت و ارزش‌های انسانی در سراسر جهان و برچیده‌شدن ظلم و سلطه است؛ نه آنکه حکومت اسلامی خواهان جنگ با همه کشورها باشد. ایران ما در طول بیش از دویست سال گذشته به هیچ کشوری حمله نکرده است و همواره مورد حمله دشمنان خارجی قرار داشته است. حضرت امام و جمهوری اسلامی به‌صراحت اعلام کرده بود که خواهان برقراری روابط مسالمت‌آمیز بر اساس حقوق متقابل با همه کشورهاست و زیر بار سلطه و ظلم نرفته و از مظلومان و محرومان در برابر سلطه‌گران حمایت می‌کند و این سیاست و هدف، برآمده از ندای فطرت و عقلانیت و آموزه‌های اسلامی است.

• نتیجه‌گیری

در اینکه دوراندیشی و احتیاط از اموری است که باید یک رهبر سیاسی از آن برخوردار بوده و به آن توجه داشته باشد، تردیدی وجود ندارد؛ اما رهبری جامعه نیازمند یک شخصیت جامع و ذوابعاد است؛ همان‌گونه که در رهبری توجه به عواقب امور و احتیاط لازم است، قاطعیت و شجاعت نیز ضروری است. در ابتدای شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی که شاهد تحرکات برخی عناصر وابسته به رژیم پهلوی و گروه‌های تجزیه‌طلب و مخالف نظام و جولان آنها در سایه حمایت و هدایت آمریکا بودیم و سفارت آمریکا تبدیل به کانون اصلی توطئه علیه انقلاب اسلامی شده بود، احتیاط و هرگونه مسامحه در برخورد با این شرارت‌ها، موجب به خطرافتادن موجودیت نظام نوپای جمهوری اسلامی می‌شد. احتیاط و مسامحه در برخورد با این مسائل، موجب آسیب‌دیدن جان و مال مردم و از بین‌رفتن زحمات طاقت‌فرسای ملت می‌شد. آیا رهبری در برابر توده مردم و صدمه‌دیدن جان و مال آنها و خدشه‌دارشدن امنیت کشور مسئولیت نداشته و احتیاط و دوراندیشی در این مورد، از وظایف و مسئولیت‌های او نیست.؟

اگر در ابتدای شکل‌گیری انقلاب اسلامی با عناصر وابسته به رژیم ستم‌شاهی برخورد قاطع صورت نمی‌گرفت و لانه جاسوسی آمریکا به‌عنوان مرکز محوری توطئه علیه نظام تسخیر نمی‌شد، انقلاب اسلامی همان سرنوشتی را پیدا می‌کرد که امروز در انقلاب مصر و لیبی شاهد آن بودیم که نظام سلطه این انقلاب‌ها را در راستای منافع خویش مصادره کرد.

• پی‌نوشت‌ها

۱. حائری شیرازی، شهاب‌الدین، شجاعانه برخورد نکردیم؛ کانال ویرایش ذهن: t.me/virayeshe_zehn

۲. امام خمینی قدس سره از دید چهره‌های سرشناس جهان؛ www.mashreghnews.ir؛ تاریخ انتشار:۱۲ خرداد ۱۳۹۵؛

۳. انقلاب اسلامی؛ «انقلابی که جهان را لرزاند»؛ www.mizanonline.com؛ تاریخ انتشار:۲۲ بهمن ۱۳۹۸؛

۴. یرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری و محسن مدیر شانه‌چی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۱، ص ۴۹۰ و ۴۹۱؛

۵. بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان در آستانه ۱۳ آبان روز ملی مبارزه با استکبار جهانی:۱۳۹۸/۸/۱۲؛

۶. بیانات در دیدار مسئولان نظام: ۱۳۹۵/۳/۲۵.

ادامه از صفحه قبل

حوزه‌های علمیه بیدار باشند، تقوا را، تقوا را نصب عین خود قرار بدهید. طلاب علوم دینیه، تقوا، تقوا، تنزیه نفس، مجاهده با نفس، یک مجاهد با نفس می‌تواند بر یک امت حکومت کند؛ مجاهده کنید، مجاهده کنید، تهذیب کنید.

حوزه‌های علمیه باید خودشان را تهذیب کنند، در خلال تهذیب، هر کاری که هست، تعقیب کنند از علمیات. ما فقاهت لازم داریم. اگر فقیهی از بین برود، اسلام از بین می‌رود. ما فقیه لازم داریم، باید دنبال فقه باشیم.[6]

لازم است درس بخوانید، فقیه شوید، جدیت در فقاهت کنید، نگذارید این حوزه‌ها از فقاهت بیفتد. تا فقیه نشوید، نمی‌توانید به اسلام خدمت کنید.[7]

فقه را در حوزه‌های علمیه مثل قم و مشهد و امثال این‌ها و همین‌طور نجف باید فقاهت را حفظ کنند. حوزه‌ها باید حوزه فقاهت باشد، این حوزه‌های فقاهت بوده است که هزار و چند صد سال این اسلام را نگه داشته است.[8]

در بعد خدمات علمی حوزه‌های علمیه، سخن بسیار است که ذکر آن در این مختصر نمی‌گنجد. بحمدالله حوزه‌ها از نظر منابع و شیوه‌های بحث و اجتهاد، غنی و دارای ابتکار است. تصور نمی‌کنم برای بررسی عمیق همه‌جانبه علوم اسلامی طریقه مناسب‌تر از شیوه علمای سلف یافت شود. تاریخ بیش از هزار سال تحقیق و تتبع علمای راستین اسلام، گواه بر ادعای ما در راه بارور ساختن نهال مقدس اسلام است.[9]

معرفی و ارائه اسلام مستلزم این است که حوزه‌های روحانیت اصلاح شود. به این ترتیب که برنامه درسی و روش تبلیغات و تعلیمات تکمیل گردد. سستی و تنبلی و یأس و عدم اعتماد به نفس، جای خود را به جدیت و کوشش و امید و اعتماد به نفس بدهد؛ آثاری که تبلیغات و تلقینات بیگانگان در روحیه بعضی گذاشته، از بین برود. افکار جماعت مقدس‌نما که مردم را از داخل حوزه‌های روحانیت از اسلام و اصلاحات اجتماعی باز دارند، اصلاح شود.[10]

حوزه‌های علمیه سراسر کشور خصوصاً حوزه قم، حوزه مشهد، حوزه اصفهان باید کوشش کنند که امروز که می‌توانند مبلغ بفرستند به آن نحوی که بشناسد جامعه را و بفهمد که مشکلات چه است و باید چه کند و چه بگوید. تربیت‌کننده و قاضی تربیت کنند و مخصوصاً مبلغین را زیاد احتیاج به آن هست. در سر تا سر کشور، ما احتیاج به مبلغ داریم؛ علاوه بر آن در خارج کشور احتیاج به مبلغ بیشتری داریم و الآن ما کمبود داریم. ما نباید امروز را مقایسه به دیروزها بکنیم. حوزه‌های علمی آن وقت در اختناق به سر می‌بردند، نمی‌توانستند که قاضی تحویل جامعه بدهند. از آنها پذیرفته نبود؛ نمی‌توانستند یک مبلغی که بتواند مسائل جامعه و مشکلات جامعه را به گوش مردم برساند، تحویل جامعه بدهند. امروز را حوزه‌های علمیه نباید مقایسه کنند با دیروزها. امروز باید همه علمای بلاد و همه مراجع و همه مدرسین و دانشمندان حوزه‌های علمیه کوشش کنند که این تکلیفی که بر عهده همه آمده است، به‌طور شایسته انجام بدهند.[11]

در مورد دروس تحصیل و تحقیق حوزه‌ها، اینجانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم. اجتهاد به‌همان سبک صحیح است؛ ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست؛ زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند.[12]

وصیت اینجانب آن است که در همه اعصار خصوصاً در عصر حاضر که نقشه‌ها و توطئه‌ها سرعت و قوّت گرفته است، قیام برای نظام‌دادن به حوزه‌ها لازم و ضروری است که علما و مدرسین و افاضل عظیم‌الشأن صرف وقت نموده و با برنامه دقیق صحیح، حوزه‌ها را و خصوصاً حوزه علمیه قم و سایر حوزه‌های بزرگ و با اهمیت را در این مقطع از زمان از آسیب حفظ نمایند.[13]

وصیت اینجانب به حوزه‌های مقدسه علمیه آن است که کراراً عرض نموده‌ام که در این زمان که مخالفین اسلام و جمهوری اسلامی کمر به براندازی اسلام بسته‌اند و از هر راه ممکن برای این مقصد شیطانی کوشش می‌نمایند و یکی از راه‌های با اهمیت برای مقصد شوم آنان و خطرناک برای اسلام و حوزه‌های اسلامی، نفوذدادن افراد منحرف و تبهکار در حوزه‌های علمیه است که خطر بزرگ کوتاه‌مدت آن، بدنام نمودن حوزه‌ها یا اعمال ناشایست و اخلاق و روش انحرافی است و خطر بسیار عظیم آن در درازمدت به مقامات بالا رسیدن یک یا چند نفر شیاد که با آگاهی بر علوم اسلامی و جازدن خود در بین توده‌ها و قشرهای مردم پاکدل و علاقه‌مند نمودن را به خویش و ضربه مهلک‌زدن به حوزه‌های اسلامی و اسلام عزیز و کشور در موقع مناسب می‌باشد و می‌دانیم که قدرت‌های بزرگ چپاول‌گر در میان جامعه‌ها افرادی به‌صورت‌های مختلف از ملّی‌گراها و روشن‌فکران مصنوعی و روحانی‌نمایان که اگر مجال یابند، از همه خطرتر و آسیب‌رسانترند، ذخیره دارند که گاهی سی چهل سال، با مشی اسلامی و مقدس‌مآبی یا «پان‌ایرانیسم» و وطن‌پرستی و حیله‌های دیگر با صبر و بردباری در میان ملت‌ها زیست می‌کنند و در موقع مناسب مأموریت خود را انجام می‌دهند و ملت عزیز ما در این مدت کوتاه پس از پیروزی انقلاب، نمونه‌هایی از قبیل «مجاهد خلق» و «فدایی خلق» و «توده‌ای»ها و دیگر عناوین دیده‌اند و لازم است، همه با هوشیاری این قسم توطئه را خنثی نمایند.[14]

• پی‌نوشت‌ها

۱.ر.ک: امام خمینی، روحانیت و حوزه‌های علمیه از دیدگاه امام خمینی (تبیان دفتر دهم) تهران مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۸۴، ص ۶۵.

۲. ر.ک: همان، ص ۶۶.
۳.ر.ک: همان، ص ۷۵.
۴.ر.ک: همان، ص ۱۰۰.
۵.ر.ک: همان، ص ۱۰۳.
۶.ر.ک: همان، ص ۱۴۵.
۷.ر.ک: همان، ص ۶۲۳.
۸.ر.ک: همان، ص ۶۲۴.
۹.ر.ک: همان، ص ۶۳۰.
۱۰.ر.ک: همان، ص ۶۳۴.
۱۱ ر.ک: همان، ص ۶۳۷.
۱۲.ر.ک: همان، ص ۶۴۵.
۱۳.ر.ک: همان، ص ۶۲۵.
۱۴.ر.ک: همان، ص ۶۵۴.